

نوح و نوحاوند (۹)

دکتر علی اکبر افراسیاب پور

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی

مقدمه

در این تحقیق به کشفی جدید در جغرافیا پرداخته شده است و ادعا می شود در آن جا کشتی نوح به خشکی نشسته است. وجود قبر نوح و محل دقیق آن برای نخستین بار در این محل احتمال داده شده است. هم چنین حدس زده شده که قبر دیگری در کنار آن، مربوط به آدم یا یکی از بستگان نوح وجود داشته باشد.

این مقاله نتیجه‌ی پانزده سال مطالعه در منطقه و بررسی اسناد و مدارک موجود و جست و جو در آثار به جا مانده از گذشتگان است. از آن جایی که تاکنون ادعاهای فراوانی درباره‌ی محل کشتی نوح در جهان مطرح گردیده و محققان چندین مکان را در کشورهای این منطقه از آزارات تا یمن مورد بررسی قرار داده‌اند، بنابراین از خواننده‌ی کنجکاو تقاضا می شود بدون پیش داوری و بعد از ملاحظه‌ی اسناد و مدارک موجود که برخی از آن‌ها در این مقاله ارائه شده، به اظهار نظر پردازد.

مدارک این تحقیق از حدود هزار و دویست سال قبل تاکنون به طور مستند تهیه شده و در تهیه‌ی آن به یافته‌های باستان شناسان استناد گردیده است. در این تحقیق به معرفی سلسله کوه‌هایی پرداخته شده به نام «گرین» که در جنوب شهر همدان و در فاصله‌ی بین

شهرهای نهاوند و نورآباد دلفان از استان لرستان در غرب کشور ایران واقع شده است. در این کوه‌ها، قلعه‌ای وجود دارد به نام «سرکشتی» که جایگاه کشتی نوح بوده است. این مطلب را در طول دو‌یست سال گذشته بیش از ده نفر از سیاحان خارجی و داخلی تأیید نموده‌اند و برای تحقیق بیش‌تر به آن منطقه مسافرت کرده‌اند. هم‌چنین مردم بومی در وسعتی چند هزار کیلومتری این مطلب را نقل می‌کنند و از گذشتگان خویش نیز ماجراهایی را می‌آورند. یافته‌های باستان‌شناسی و زمین‌شناسی و نوشته‌های جغرافی‌دانان نیز همین مطلب را تأیید می‌کند. در کنار کوه «گرین» شهر نهاوند قرار دارد و به گفته‌ی اسناد و مدارک قدیمی پابخت نوح بوده است. نویسنده آمادگی دارد برای تهیه‌ی فیلمی مستند همکاری نماید تا با ارائه‌ی اسناد موجود این ادعاها را به اثبات برساند. هم‌چنین آمادگی دارد که برای گروه‌های تحقیق، داخلی و خارجی، به عنوان راهنما عمل نماید و این نکته‌ها را نشان بدهد. اسنادی که ارائه شده اغلب به زبان عربی و فارسی است و در کتابخانه‌های مهم جهان موجود هستند. علاقه‌مندان می‌توانند این مدارک را بازبینی کنند.

نویسنده در این مقاله به طور خلاصه به بیان ادعاهای خود پرداخته و امیدوار است تفصیل آن را در قالب کتابی مستدل تهیه نماید و در آن به بررسی و نقد کتاب‌هایی که تاکنون درباره‌ی جایگاه کشتی نوح نوشته‌اند، پردازد و در آن مطالبی به شرح زیر ارائه دهد: زندگانی نوح از نظر کتاب‌های آسمانی، ماجرای طوفان و نقش آن در فرهنگ‌های باستانی ایران، یونان، بین‌النهرین، هند و ... ، نقد و بررسی کتاب‌های گذشتگان، بررسی سلسله جبال زاگرس که مانند سدی بزرگ در شرق بین‌النهرین و قسمت غرب ایران قرار گرفته، جایگاه کوه گرین در این محل و بررسی نتایج زمین‌شناسی در قلعه‌ی سرکشتی، مطالعه‌ی تمدن‌ها و آثار باستانی در منطقه و

در عین حال از هر صاحب‌نظر و مؤسسه‌ای که بتواند نویسنده‌ی این تحقیق و پژوهش کمک کند، تقاضای مساعدت و یاری می‌نماید.

۱- نگاهی به جغرافیای منطقه

کشور ایران در قاره‌ی آسیا بین دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان واقع شده و دارای وسعتی حدود ۱۶۴۸۲۹۲ کیلومتر مربع است. ۸۸۲۱۵۰ کیلومتر مربع این وسعت یعنی ۵/۵۴ درصد آن را کوه فراگرفته است. این کوه‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- کوه‌های شمالی ۲- کوه‌های زاگرس ۳- کوه‌های شرقی ۴- کوه‌های مرکزی. ایران از طرف غرب با کشورهای عراق و ترکیه همسایه است. در غرب ایران سلسله جبال زاگرس وجود دارد که مانند دیواری بزرگ و مستحکم از شمال تا جنوب امتداد یافته است. اگر از دریای مدیترانه به سوی شرق حرکت کنیم و از سرزمین بین‌النهرین قدیم عبور کنیم مهم‌ترین سلسله کوهی که مانند سدّی بزرگ در مقابل قرار دارد، زاگرس است. سرزمینی که بین دریای مدیترانه و زاگرس قرار دارد، سرزمین پیامبران است. زیرا اکثر پیامبران الهی در آن جا ظهور کرده‌اند. چنان که تمدن‌های باستانی را نیز بیش‌تر در همین منطقه شناسایی می‌کنیم. دایرة‌المعارف‌هایی مانند لاروس، زاگرس را رشته کوهی به طول هزار کیلومتر در آسیای مرکزی و در غرب فلات ایران معرفی کرده‌اند. برخی از قله‌های آن ۴۷۰۰ متر ارتفاع دارد. واژه‌نامه‌های قدیمی آن را کوهی در ماد و با نام Zâgros یا Zâgrion ثبت کرده‌اند.

سلسله کوه‌های گرین در قسمت مرکزی زاگرس قرار گرفته است. در دامنه‌ی این کوه شهر «نھاوند» که سابقه‌ای طولانی دارد به چشم می‌خورد. منطقه‌ی نھاوند از نظر اقلیمی جزء مناطق نیمه خشک Semi - arid است و از نوع استپی سرد است که تابستان‌های نسبتاً معتدل و زمستان‌های نسبتاً سرد دارد. بالا بودن نسبی بارندگی در این ناحیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و جریانات هوای مدیترانه‌ای است و اغلب نزولات در فصل سرد و اوایل فروردین ماه می‌بارد. میزان متوسط بارندگی سالانه در منطقه، طبق آمار هواشناسی (ایستگاه فیروز آباد) حدود ۳۶۰ میلی‌متر است با حداقل ۲۲۱ میلی‌متر و حداکثر ۴۷۹ میلی‌متر.

در آن سوی «کوه گرین» ناحیه‌ی دلفان قرار دارد که مرکز آن شهر نور آباد است. این منطقه نیز با جنگل‌های کهن سال و با حدود ۲۰ سراب و چشمه‌ی پر آب مشهور است. نور آباد دلفان امروز قسمتی از استان لرستان با مرکزیت «خرم آباد» است و نور آباد تا خرم آباد ۹۰ کیلومتر فاصله دارد. اما فاصله‌ی نهاوند تا نور آباد نصف این فاصله است. «کوه سرکشتی» در سرزمین دلفان واقع شده است. رشته کوه گرین به گفته‌ی یکی از محققان: «به خط مستقیم از بیستون تا کارون یعنی از شمال باختری به جنوب خاوری کشیده شده و اشتران کوه دنباله‌ی آن است. طول سراسر کوه نزدیک به ۱۸۰ کیلومتر است. قله‌های عمده‌ی این رشته کوه بزرگ در لرستان «چهل نابلغان» در شمال اشتر است که بلندی آن حدود ۴۵۰۰ متر و دامنه‌هایش مدت‌ها از سال پوشیده از برف است و مانند دیواری، در شمال لرستان کشیده شده و حدفاصل بین خاک نهاوند و لرستان است.»^(۱)

«از نظر ژئولوژی منطقه‌ی دشت نهاوند، در ناحیه‌ی زاگرس رورانده یا مرتفع قرار گرفته و به شدت خرده شده و گسل خورده است و به صورت نواری باریک و کم عرض، بین زون‌های سنندج، سیرجان و زاگرس چین خورده واقع گردیده است. ارتفاعات منطقه، عمدتاً از سنگ‌های رسوبی یا دگرگونی هستند. رسوبی‌ها از جنس آهک، بارزیم کاستیک و کنگلومرا است و دگرگونی‌ها شامل آهک‌های متبلور و شیل‌های کم «متامورف» است که بیش‌ترین گسترش را دارند.

از سنگ‌های دیگر قابل مشاهده در منطقه، توده‌های آذرین «دیوریتی»، «گرانودیوریتی» و «آندریتی» هستند که رخ‌نمون کم‌تری داشته و حداقل وسعت ارتفاعات را دربرمی‌گیرند. در جنوب غربی نهاوند، سازندها، بیش‌تر آهکی تا آهک کریستالیزه بوده و به سمت جنوب حاوی آثار فرعی آتش‌فشانی هستند.

در مواردی لایه‌ی آهکی مارنی تا مارنی در بین آن‌ها دیده می‌شود. بر روی این

۱- ایزدپناه، حمید، تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان، نشر انجمن آثار، ۱۳۷۶ شمسی تهران،

آهک‌ها، کنگلومرای «پیلو - پیلوستوسن» که دارای اجزای متشکله‌ی چند منشئی رسوبی - آتشفشانی‌اند، قرار می‌گیرد.»^(۱)

از نظر ژئومورفولوژی در منطقه‌ی نهاوند ۳ واحد فیزیوگرافی به شرح زیر مشخص شده است:

۱ - پای‌کوه‌های دامنه‌ای (Piedmont plateau) در جنوب شرقی نهاوند با پستی و بلندی‌های زیاد.

۲ - مخروط‌های افکنه (Alluvial fans) در شمال و شمال غربی و جنوب دارای شیب و سنگ‌ریزه‌ی فراوان.

۳ - دشت تراکمی نهاوند که آبرفت است.

شهر نهاوند با مساحتی در حدود ۱۴۶۰ کیلومتر مربع در جنوب غربی استان همدان واقع شده است. از شمال به شهر تویسرکان، از شمال غربی و غرب به استان کرمانشاه، از جنوب به نورآباد و استان لرستان و از شرق به شهرستان ملایر محدود است. رشته‌کوه گرین با مختصات جغرافیایی ۳۴°، ۲۵'، ۳۴°، ۳۴° عرض شمالی و ۵۸'، ۴۷° تا ۳۲'، ۴۸° طول شرقی واقع شده است. شهر نهاوند با مختصات جغرافیایی ۴۱°، ۱۱'، ۳۴° عرض شمالی و ۴۰°، ۲۲'، ۴۸° طول شرقی قرار دارد. کوه سرکشتی در این رشته‌کوه قرار دارد و در کتاب گیتاشناسی ایران درباره‌ی آن آمده است: «سرکشتی کوهی در دهستان کاکاوند، ۹۰ کیلومتری شمال غربی خرم‌آباد، جنوب روستای چم حصار، ارتفاع ۲۲۶۹ متر. این کوه از باختر با کوه گله از کوهستان زاگرس متصل است.»^(۲)

در کتاب جغرافیای تاریخی لرستان آمده است: «از مهم‌ترین کوه‌های دلفان،

۱- گزارش مطالعات آب زیرزمینی نهاوند سال ۱۳۷۶ شمسی، اداره‌ی کل امور آب استان همدان،

۲- جعفری، عباس، گیتاشناسی ایران، کوه‌ها و کوه‌نامه‌ی ایران، چاپ سازمان جغرافیایی،

سرکشتی است که پوشیده از جنگل است و درخت‌های بزرگی [در آن جا] به چشم می‌خورد و در نوشته‌ی Olerouts of western Iran sir aurel stein به سرکشتی اشاره شده است»^(۱) یکی از جغرافی‌دانان می‌نویسد:

«شهر نور آباد دلفان در آن سوی کوه گرین، از شمال و شمال غربی به نهاوند و هرسین، از جنوب به بخش چگنی و از باختر به کرمانشاه محدود است. مساحت آن نزدیک به ۱۶۷۰ کیلومتر مربع است و شامل پنج دهستان است. کوه‌های آن دنباله‌ی کوه گرین و مرتفع‌ترین قله‌ی آن ۲۸۰۰ متر است و کوه سرکشتی در غرب دلفان قرار دارد.»^(۲) یکی از کتاب‌های جغرافیای لرستان که در سال ۱۳۰۰ قمری یعنی بیش از صد و چهل سال قبل نوشته شده است، ضمن معرفی کوه‌های لرستان می‌نویسد: «کوه سرکشتی در خاوه و مرتفع است. اگر کسی بالای آن برود تمامی کوهستان لرستان پیدا است. در هر درّه چشمه دارد. کلاً جنگل است از درخت بلوط و گلابی و گویج و بعضی میوه‌جات از قبیل آلوچه و سیب و انگور جنگلی. از این کوه کتیرای زیاد می‌گیرند.»^(۳)

۲- نهاوند شهر نوح

در دامنه‌ی رشته کوه گرین شهر نهاوند قرار دارد که احتمالاً با تعبیراتی چون «نوح-آب-بند»، «نوح‌وند» و «نوح‌آوند» بی‌ارتباط نباشد. نهاوند از شهرهای استان همدان محسوب می‌شود. در گذشته‌های دور نهاوند بخشی از استان عراق عجم و قبل از آن از استان کوهستان و قبل از آن قسمتی از استان ماد (مدی کبیر) بوده است. این شهر دارای

- ۱- ساکی، علی محمد، جغرافیای تاریخی لرستان، چاپ خرم آباد ۱۳۴۲ شمسی، ص ۱۳۷
- ۲- ایزدپناه، حمید، آثار باستانی و تاریخی لرستان، چاپ انجمن آثار، ۱۳۷۶ شمسی تهران، ج ۳، ص ۲۷۷
- ۳- جغرافیای لرستان، تألیف ۱۳۰۰ قمری، دکتر امان الهی بهاروند، ناشر ارشاد لرستان، ۱۳۷۰ شمسی خرم آباد، ص ۱۳۰

سابقه‌ی تاریخی طولانی است و در کنار آن تپه‌ی باستانی گیان قرار دارد که جداگانه به آن می‌پردازیم.

منابع زیر بخشی از اسنادی است که ارتباط شهر نهاوند را با نوح بیان کرده است: ابن الفقیه الهمدانی از جغرافی‌دانان اسلامی در سال ۲۹۰ قمری یعنی حدود هزار و دوست سال قبل می‌نویسد: «نهاوند از ساخته‌های نوح (ع) است و به آن نوح آوند گفته‌اند.»^(۱) این کتاب در سال ۱۸۸۵م در اروپا چاپ شده است.^(۲)

یاقوت حموی متوفی به سال ۶۲۶ قمری می‌نویسد: «نهاوند شهر بزرگی است در طرف همدان و بین آن‌ها سه روز راه است. ابوالمنذر هشام می‌گوید: نهاوند را به این دلیل نهاوند گفته‌اند که از ساخته‌های نوح (ع) است. یعنی نوح آن را ساخته و به نام او نوح آوند نامیده شده و مخفف شده به نهاوند.»^(۳)

ابی الفداء متوفی به سال ۷۳۲ قمری در کتاب تقویم البلدان چاپ پاریس می‌نویسد: «نهاوند شهری از سرزمین کوهستان است که نوح (ع) آن را بنا نموده و اسم آن نوح آوند بوده است.»^(۴) زکریا قزوینی (۱۲۰۲ - ۱۲۸۳ میلادی) در سال ۶۷۴ قمری در کتاب آثار البلاد نوشته: «نهاوند شهری است نزدیک همدان قدیم البناء. گویند از بناهای نوح نبی (ع) است. اصلش نوح آوند بوده است.»^(۵) در کتاب مجمل التواریخ تألیف سال ۵۲۰

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه علوم انسانی

۱- ابن الفقیه الهمدانی، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۸م، ص ۲۳۷

2 - Kitâbal - Boldân Auctore Ibnal Fakih al-Hamadâni Lugduni - Batavorum Apud E.j.Brill.1885

۳- حموی، یاقوت، معجم البلدان، انتشارات دار الکتب العلمیه بیروت، لبنان، ۱۹۹۰م، ج ۵، ص ۳۶۱

۴- ابی الفداء، تقویم البلدان، دار الطباعة السلطانیة، چاپ پاریس، ۱۸۴۰م، ص ۴۱۷

۵- قزوینی، زکریا، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه‌ی جهانگیر میرزا قاجار، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳ شمسی تهران، ص ۵۴۵

قمری می خوانیم: «نوح پیغامبر شهر را بنا نهاد به نام خویش نوحاوند و آن نهاد است.»^(۱) در کتاب اللباب در همان عصر می خوانیم: «نهادند شهری است از بلاد جبل. گویند آن را نوح (ع) بنا کرده است و نام آن نوح آوند بوده است.»^(۲) در کتاب عجایب المخلوقات تألیف سال ۵۵۵ قمری می خوانیم: «نهادند شهری قدیم است که آن را نوح (ع) بنا کرد، آن را نوح آوند گویند.»^(۳)

یکی از جغرافی دانان اولیه ی اسلامی اصطخری است و در سال ۳۴۶ قمری وفات یافته است. وی می نویسد: «در باره ی سرزمین کوهستان: کوهستان را شهرهایی هست مشهور چون همدان و نهاوند... نهاوند بر کوهی نهاده است. باغها و بوستانها و میوه بسیار دارد و دو مسجد آدینه دارد. یکی نو و یکی کهنه. از نهاوند زعفران خیزد.»^(۴) در کتاب حدود العالم که در سال ۳۷۲ قمری نوشته شده نیز همین مطلب با اندکی تفاوت آمده است.^(۵)

دیگر کتابهای جغرافی نیز نهاوند را از عراق عجم و در اقلیم چهارم دانسته اند، مانند حمدالله مستوفی در سال ۷۴۰ قمری.^(۶) انصاری در سال ۷۲۳ قمری نیز در کتاب

- ۱- مجمل التواریخ و القیصص، به تصحیح ملک الشعراء بهار، چاپ علمی تهران، ۱۳۶۰ شمسی، ص ۱۸۶
- ۲- ابن الاثیر الجزری، اللباب فی تهذیب الانساب، چاپ اسلامی ایران، ۱۳۶۲ شمسی، ج ۳، ص ۳۳۵
- ۳- طوسی، عجایب المخلوقات، به اهتمام منوچهر ستوده، چاپ تهران ۱۳۵۵ شمسی، ج ۳، ص ۲۷۵
- ۴- اصطخری، ابو اسحق، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ شمسی تهران، ص ۱۶۵
- ۵- حدود العالم من المشرق الی المغرب، به همکاری بارتولد و میثورسکی، چاپ دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۲
- ۶- مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، تألیف ۷۴۰ قمری، چاپ دنیای کتاب، ۱۳۶۲ شمسی

خود به زبان عربی که در لایزیک چاپ شده می نویسد :

«از شهرهای کوهستان در اقلیم چهارم که عراق عجم نامیده می شود نهاوند است که ماه البصره نامیده می شود (در دوره ی اسلامی). زیرا ماه در فارسی همان قمر است و گفته اند نهاوند را نوح ساخته است.»^(۱) خلف تبریزی (در سال ۱۰۶۲ قمری) می نویسد :

«نهاوند : نوح (ع) بانی آن شهر بوده و آن را نوح آورد می گفته اند ، یعنی نوح تخت و نوح مسند ، چه پایتخت نوح (ع) بوده و آورد به معنی تخت و مسند هم آمده است و به کثرت استعمال نهاوند شده است.»^(۲)

در فرهنگ نفیسی ، تألیف سال ۱۳۱۸ شمسی ، می خوانیم : «نهاوند Nahâvand به معنی شهر نوح (ع) آمده که پایتخت نوح پیغمبر باشد.»^(۳) محمد پادشاه (در سال ۱۳۰۶ قمری در هندوستان) می نویسد :

«نهاوند از ابنیه ی نوح پیغمبر است.»^(۴) در لغت نامه ی دهخدا می خوانیم : «نهاوند را نوح بنا کرده است.»^(۵) اعتماد السلطنه (در سال ۱۳۰۱ قمری) می نویسد :

«اهالی این ناحیه از اولاد مادی بن یافت بن نوح (ع) می باشند. لهذا آن ها را منسوب

تهران ص ۷۴

۱- الانصاری ، شمس الدین ، نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر ، ص ۱۸۳ چاپ

OT TO Harrassowitz , Leipzig . 1923

۲- خلف تبریزی ، محمد حسین ، برهان قاطع ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۶۱ شمسی ، تهران ، ص

۱۱۷۳

۳- نفیسی ، علی اکبر ، فرهنگ نفیسی ، کتاب فروشی خیام ، ۱۳۵۵ شمسی ، تهران ، ج ۵ ، ص

۳۷۹۰

۴- پادشاه ، محمد ، فرهنگ جامع فارسی ، انتشارات خیام ، ۱۳۶۳ شمسی ، تهران ، ج ۷ ، ص

۴۴۲۷

۵- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۴۶ شمسی ، تهران ، ج ۱۸ ، ص

۹۴۵

به «مادی» نموده «مد» خواندند و مملکت آن‌ها را مدی گفتند. فصل دهم سفر تکوین تورات شریف که در این فصل در تعداد اولاد حضرت نوح یکی مادی بن یافث را می‌شمارد.^(۱) در فرهنگ رشیدی می‌خوانیم: «نهادند اصلش نوح آوند بوده زیرا نوح (ع) آن را بنا کرده است.»^(۲) همین مطلب را ده‌ها سند و کتاب دیگر نیز بیان نموده‌اند.

از جمله دکتر فوریه پزشک مخصوص ناصرالدین شاه قاجار که سه سال در ایران بوده و همراه با شاه به این منطقه مسافرت نموده و در حدود صد و پنجاه سال قبل (در کتاب سه سال در دربار ایران، ص ۳۸۳) همین مطلب را نوشته است. هم‌چنین کتاب اعیان الشیعه از سید محسن امین در حدود هشتاد سال قبل (ج ۵، ص ۹۵) و کتاب سه رساله در علم رجال، از محمد علی ساروی (ص ۱۳۲) و کتاب طرائق الحقایق از حاج نایب الصدر (ج ۲، ص ۳۸۸) و فرهنگ انجمن آرای ناصری رضاقلی خان هدایت (ص ۲۱) در همان زمان، و ده‌ها نمونه‌ی دیگر به این حقیقت اشاره کرده‌اند.

۳- اشاره‌ای به طوفان نوح

منطقه‌ی نه‌اوند در طول تاریخ نام‌های مختلفی داشته است. در سه هزار سال قبل قسمتی از استان «ماد» بوده و در دوران اسلامی به استان عراق (عجم) تعلق داشته است. دینوری متوفی به سال ۲۸۳ قمری نوشته‌است: «خداوند نوح را برای مردم روزگارش به پیامبری برانگیخت و محل سکونت او سرزمین عراق بود.»^(۳) منابع دیگر همین نکته را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که طوفان نوح در منطقه‌ی عراق که به دو بخش عرب و عجم

۱- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، مرآة البلدان، به کوشش نوایی و محدث، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ شمسی، تهران، ج ۴، ص ۲۰۶۳

۲- رشیدی، فرهنگ رشیدی، چاپ تهران، ۱۳۳۵ شمسی، ص ۱۴۳۰

۳- دینوری، احمدین داود، اخبار الطوال، ترجمه‌ی دامغانی، نشر نی، ۱۳۶۶ شمسی، تهران،

تقسیم می شده ، اتفاق افتاده و در حقیقت شامل مرکز کشور عراقِ امروز است و قسمتی از غرب ایران تا کوهستان زاگرس را در بر می گرفته است .

دکتر G.Contenau کتابی با نام «طوفان بابل» (Le deluge Babylonien) نوشته و در این کتاب نشان داده که ماجرای طوفان به اساطیر همهی ملت‌ها راه یافته است ، در ادبیات و فرهنگ اقوام سامی مانند بابل ، یهودیان و اعراب و ایرانیان تا هندوان و یونانیان نیز انعکاس یافته است .

یکی از روایت‌ها گفته‌ی تورات و سفر پیدایش آن است . به موجب این روایت چون مشیت خدا بر این قرار گرفت که نوع بشر را یکسره تباہ و هلاک کند ، طوفان را بر زمین نازل کرد . اما قبل از حدوث طوفان ، نوح را خبر داد تا کشتی بسازد و خود را با هشت تن از کسانش از آن بلیه برهاند . طوفان بجوشید و صد و پنجاه روز آب‌ها همی افزود تا از ستیغ کوه‌ها در گذشت . همهی مردم و جانوران ، جز آنان که در کشتی نوح بودند ، هلاک شدند . سرانجام طوفان آرام شد .

تورات جایگاه کشتی نوح را آرات نوشته است در حالی که با گفته‌های مفسرین تورات و قرآن مخالفت دارد . در قرآن (سوره‌ی هود آیه‌ی ۴۴) از کوه «جودی» نام برده شده که بنا بر تحقیق نگارنده هم اکنون در لرستان طایفه‌ای به نام «جودی» و «جودکی» وجود دارد که باقی مانده‌ی آن‌ها هنوز در این منطقه زندگی می کنند . تاریخ گزیده که در حدود هزار سال قبل نوشته شده از این طایفه در لرستان نام برده است . در کتاب جغرافیای لرستان می خوانیم : «جودی یا جودکی از طوایف قدیمی لرستان می باشد»^(۱) اما اگر به عقب‌تر برگردیم ، روایت‌هایی از طوفان به دست می آوریم که قبل از تورات و قرآن^(۲) بیان شده است . سومری‌ها و بابلی‌ها روایت‌های قدیمی تری دارند که در اساطیر یونانی و هندی

۱- جغرافیای لرستان ، تألیف سال ۱۲۰۰ قمری ، کوشش دکتر امان الهی بهاروند ، ناشر ارشاد

لرستان ، ۱۳۷۰ خرم آباد ، ص ۱۱۶

۲- John M. Arnold , Koran and Bible , Londo , 1866 , p.156

نیز انعکاس یافته است. در اساطیر یونان قصه‌ی Deucalion صورت شاعرانه‌تری از این ماجرا است. دوکالیون پسر پرومته Promethee در اساطیر یونان مقام نوح را در اساطیر تورات دارد. وقتی زئوس خدای بزرگ بر آدمی‌زادگان خشم آورد و درصدد برآمد که ریشه و تخمه‌ی آدمی را از جهان براندازد طوفان هولناکی برانگیخت. فقط دوکالیون پارسا و زرش پیرا pyrha بودند که از آنان طوفان هول انگیز توانستند رهایی یابند. دوکالیون به دستور پرومته صندوقچه‌ای ساخت که نه روز تمام برفراز آب‌ها موج می‌زد. سرانجام در کنار کوه «پارناس» parnasse یا کوه «اوتریس» othrys کشتی وی لنگر انداخت و به خشکی رسید.

در روایت هندی به جای نوح «مانو» است که به عنایت خداوند «ویشنو» نجات می‌یابد. در این داستان ویشنو به صورت ماهی در می‌آید و کشتی مانو را از میان طوفان‌ها نازقله‌ی کوه می‌کشانند. اما در اساطیر ایرانی آنچه داستان طوفان را به خاطر می‌آورد، داستان «جم و باغ‌ور» است. این داستان که در فرگرد دوم «وندید» آمده، صورتی از قصه‌ی «طوفان بابل» است.

قدیمی‌ترین روایات را بایستی در بابل و آشور جست‌وجو نمود که بیش از شش روایت از آن‌ها به جا مانده است:

- ۱- روایتی که در لوحه‌ی نیپور است و قدیمی‌ترین روایات به نظر می‌رسد.
- ۲- روایتی که آرنوپوبل در سال ۱۹۱۴م به انتشار آن پرداخت.
- ۳- روایتی که شل Schell نشر کرد و متعلق به دوره‌ی Ammizaduga چهارمین جانشین حمورابی است.
- ۴- روایتی که در طی حماسه‌ی معروف گیل‌گامش آمده است. (مربوط به حدود ۶۶۸ - ۶۲۴ قبل از میلاد).
- ۵- روایتی که موسوم به Êa et Atarhasis (مربوط به ۶۵۰ قبل از میلاد) است.
- ۶- روایتی منسوب به Berose یکی از کهنه‌ی (کاهنان) بابل (مربوط به ۲۳۰ - ۲۵۰ قبل از میلاد).

بررسی و تحقیق درباره‌ی این بخش نیاز به مقاله‌ای جداگانه دارد.

۴- نگاهی به تمدن گیان Gian نهاوند

تپه‌ی گیان در حال حاضر در کنار روستایی به همین نام در حومه‌ی شهر نهاوند قرار گرفته است با بیش از ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت. مردم شهر و گردشگران برای استفاده از سراب زیبا و مناظر دل چسب آن به خصوص در روزهای تعطیلی به این منطقه روی می آورند. یکی از باستان شناسان می نویسد:

«تپه‌ی باستانی گیان ده کیلومتر با نهاوند فاصله دارد و در سال ۱۹۳۱م توسط بک هیث فرانسوی به سرپرستی دکتر کنتنو و پرفسور گیرشمن حفاری گردیده است.»^(۱) بسیاری از آثار به دست آمده در موزه‌ی لوور پاریس نگاهداری می‌شود. پرفسور گیرشمن می نویسد:

«در آغاز هزاره‌ی سوم ق.م، گیان هر چند تحت فشار دائمی فرهنگ بین النهرین قرار دارد، لیکن سنت ظروف سفالین منقوش دوام یافته و کوزه‌گر گیان که نسبت به سبک قدیم وفادار مانده بود، به جست و جوی نمونه‌های جدید برای اشکال و تزیینات ظرف خود ادامه می دهد.»^(۲) یکی از باستان شناسان ایران می نویسد:

«موقعیت جغرافیایی این تپه که اسم آن به علت نزدیکی به دهکده‌ی گیان یا ژیان، تپه‌ی گیان نامیده شده است، در منطقه کوه‌های زاگرس قرار دارد. تپه‌ی گیان در ناحیه‌ی نهاوند قرار گرفته و ارتفاع آن از سطح دریا در حدود ۱۸۰۰ متر بوده و دارای آب و هوای نسبتاً سردی می باشد. این منطقه به علت وجود کوه‌های مرتفع در اطراف آن نسبتاً دارای

۱- نگهبان، عزت الله، مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران، سازمان میراث فرهنگی،

۱۳۶۰ شمسی تهران، ص ۳۸۷

۲- گیرشمن، ژمان، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی،

۱۳۶۳ شمسی، تهران، ص ۲۸

آب کافی بوده است. تپه‌ی گیان تپه‌ای است که حدود ۳۵۰ متر طول دارد و ارتفاع قلّه‌ی آن از سطح زمین‌های اطراف در حدود ۱۹ متر می‌باشد. پرفسور گیرشمن و کنتنو از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۲ م در تپه حفاری نمودند و در ضمن حفاری این تپه پنج طبقه باستانی آشکار گردید که شامل سه لایه‌ی مهم از آثار معماری است.

طبقات مرتفع تپه از بقایای قبور اواخر هزاره‌ی دوم و اوائل هزاره‌ی اول پیش از میلاد تشکیل شده است. در این قبور عموماً اشیاء و ادوات زیادی که بنا بر عقاید مردمان آن روز در آن‌ها جای داده شده، مشاهده می‌گردد. این پنج طبقه‌ی باستانی بر روی هم دوران‌هایی را که از اواسط هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد شروع شده و تا اوائل هزاره‌ی اول پیش از میلاد ادامه دارد، معرفی می‌نماید. طبقه‌ی پنجم عمیق‌ترین و قدیمی‌ترین طبقه‌ی باستانی این تپه است و سفال‌های به دست آمده در این طبقه هم زمان با طبقات دوم و سوم تپه‌ی سیلک است.^(۱)

قسمتی از آثار مکشوفه در موزه‌ی ایران باستان در شهر تهران نگهداری می‌شود. اغلب این اشیاء ظروف سفالی کوچک متعلق به هزاره‌ی دوم تا پنجم قبل از میلاد است. تپه‌ی گیان ابتدا در سال ۱۹۲۶ به وسیله‌ی ارنست هرتسفلد E.Hertsfeld کشف شد و بعد از آن هیئت حفاری موزه‌ی لوور از طریق G.Contenau و R.Ghrishman ادامه دادند^(۲) و تمدن آن عصر را بررسی نمودند.^(۳) قبرهای فراوانی که در این تپه کشف شد، بسیار شبیه به گورهایی بوده که در «سرکشتی» و تپه‌ی «باباجان» در آن سوی کوه «گرین» به دست آمده است.

۱- نگهبان، عزت‌الله، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، سازمان میراث فرهنگی
 ۲- واندنبرگ، لوئیس L.vandenberg، باستان‌شناسی ایران، ترجمه‌ی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ شمسی، تهران، ص ۸۷

۵- نگاهی به تمدن باباجان

در نزدیکی کوه سرکشتی، تپه‌ای باستانی به نام «باباجان» دیده می‌شود که کاوش‌های باستان‌شناسی در آن صورت گرفته است. این تپه در این سوی «کوه گرین» و تپه‌ی گیان در آن سوی «گرین» واقع شده است.

یکی از جغرافی‌دانان می‌نویسد: «باباجان در یک محل طبیعی نزدیک بخش سفلی قیز-کشگان، بر روی حاشیه‌ی جنوبی دشت دلفان قرار گرفته، از طریق سرکشتی Sarkasti، دره‌ی خان‌گاری و هلیلان Hulilan به صیمره می‌رسد.»^(۱) در بهار سال ۱۹۶۳م و پاییز سال بعد خانم Clare goff maid کاوش‌ها در دلفان انجام داد و گزارش آن در مجله‌ی انجمن انگلیسی تحقیقات ایرانی

Institute of Persian Studies Journal of British

ج ۶، ص ۱۰۵ به بعد، ۱۹۶۸م به چاپ رسیده است.

دلفان از هزاره‌ی پنجم تا هزاره‌ی اول پیش از میلاد دارای تمدنی بوده که اشیای فراوانی از آن به دست آمده است. «اولین بار با همکاری هیئت باستان‌شناسی دانمارکی در ایران در نیمه‌ی غربی لرستان بررسی انجام شد. در سال ۱۹۶۵م کاوش در نیمه‌ی شرقی دلفان هم دنبال شد. در نتیجه‌ی بررسی‌ها و کاوش‌ها تاریخ تقریبی منطقه از هزاره‌ی پنجم تا هزاره‌ی اول پیش از میلاد مسیح تعیین گردید. ناحیه‌ی باباجان در نزدیکی نورآباد به عنوان مرکز حفاری در نظر گرفته شد. اشیای مکشوفه در سطح زمین نشانه‌ی بارزی از ادامه‌ی تمدن در این منطقه تا عصر نو سنگی بود.»^(۲)

در باباجان بنای سنگی بزرگی کشف شده که تمامی دیواره‌های آن ویران گردیده است. نقشه‌ی آن شبیه به کشتی بسیار بزرگی است و سفال‌هایی که در باباجان به دست آمده از طبقه‌ی ۱ تا ۳ تقسیم شده است و از نظر سابقه و شکل مانند سفال‌های تپه‌ی گیان نهاوند

۱- ایزدپناه، حمید، آثار باستانی و تاریخی لرستان، چاپ انجمن آثار، ۱۳۷۶ شمسی تهران، ج

۲- منبع قبلی، ص ۲۸۳

است. «تپه‌های باستانی دلفان از نظر در برداشتن آثار مفرغی و سفالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دلفان که گاهی هم به نام دشت خاوه از آن یاد شده، محل سکونت کاسیان دام‌دار و بیابان‌گرد و جنگ‌جو بوده که به گفته‌ی استرابن گاه توانسته بودند برای مقابله به سپاه شوش و بابل تا ۱۳۰۰۰ کمان‌دار اختیار ایلامی‌ها (Elams) بگذارند.»^(۱)

مینورسکی (متوفی ۱۹۶۶ م) می‌نویسد: «نخستین ساکنان لرستان کاسی‌ها بودند که بابل را فتح کرده میان سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۶۵۰ پیش از میلاد بر آن سرزمین حکومت می‌کرده‌اند. هخامنشیان هنگام گذر از راه همدان - بابل که از قلمرو کاستی‌ها می‌گذشت ناگزیر بودند به کاستی‌ها باج پردازند. این کوه‌نشینان به طور موقت به دست اسکندر سرکوب شدند.»^(۲) اگر به گزارش گروه‌های باستان‌شناسی مراجعه کنیم در می‌یابیم که این منطقه از لرستان و مناطق دیگر در نزدیکی آن از هزاران سال پیش زیستگاه انسان‌های غارنشین بوده و در دوره‌ی سنگ‌سابقه‌ای طولانی داشته است. در دوره‌ی مفرغ این تمدن ادامه یافته و کاسیان لرستان با بین‌النهرین سرنوشت مشترک دارند. بررسی نتایج تحقیقات دکتر فرانک هول و فلائری از سوی دانشگاه رایس آمریکا در لرستان نیاز به مقاله‌ای جداگانه دارد.

۶- قبر نوح در سرکشتی

ساختمان بزرگی در کنار قلعه‌ی سرکشتی قرار دارد که به عنوان مرقدی مقدس مورد احترام زائران فراوانی از سراسر لرستان است. این مرقد را با نام «بابای بزرگ» می‌شناسند. نام این زیارتگاه با نام تپه‌ی باستانی «باباجان» در نزدیکی آن، مشترک است. هر دو به معنی پدر بزرگ است که در فرهنگ شرقی همواره لقب آدم یا حضرت نوح بوده است. این

۱- منبع قبلی، ص ۳۱۱

۲- مینورسکی، ولادیمیر، لرستان ولرها، ترجمه‌ی بهاروند، انتشارات بابک، ۱۳۶۳ شمسی،

ساختمان بسیار قدیمی است. البته قسمت‌هایی از آن تجدید بنا گردیده و بزرگ‌تر شده است. به نظر می‌رسد این مرقده به نوح تعلق داشته باشد. چرا که سابقه‌ی تاریخی آن به روزگار باستانی می‌رسد و هم‌چنین در کنار سرکشتی هیچ‌نشانی از شخصیت تاریخی دیگری در دست نیست تا این نظر را رد کند.

در کنار این مرقده به زیارتگاه دیگری می‌رسیم که به نام کاله نازار *Kâle nâzâr* شناخته می‌شود و نویسنده حدس می‌زند که چه بسا قبوری مربوط به یکی از بستگان نوح یا حتی احتمال دارد که قبر حضرت آدم باشد. زیرا در منابع قدیمی می‌خوانیم: «بابابزرگ در



منظره‌ای از گنبد «کاله نازار». *Kâle nâzâr*.

عرض جغرافیایی ۵۵ دقیقه و ۳۳ درجه و طول جغرافیایی ۴۱ دقیقه و ۴۷ درجه قرار دارد

و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۷۵۰ متر است.»^(۱)

یکی از جغرافی دانان در سال ۱۳۵۰ شمسی نوشته است: «سرکشتی، محلّ به گیل نشستن کشتی نوح است. در غرب منطقه‌ی دلفان، رشته کوهی است که مربوط به دوران اول و دوم است و به نام سرکشتی معروف شده، این کوه که دارای رگه‌های ته نشسته فراوان است به مرور زمان فرسایش زیاد داشته و آن چه امروز از آن باقی مانده، دارای شکوه خاصی است و یکی از سردترین نقاط بخش دلفان به شمار می رود. این نقطه از مرکز دلفان ۴۰ کیلومتر فاصله دارد. در دامنه‌ی کوه، چشمه‌های آب سرد، درختان کهن سال گردو و انگور وحشی فراوان است. قدیمی‌ترین داستانی که در میان ساکنان این کوه پایه مشهور است، داستان طوفان نوح و به گیل نشستن کشتی او در این جا است. مرحوم حاج حیدر ایوبت بن که کهن سال ترین مرد قبیله بود، درباره‌ی وجه تسمیه‌ی این کوه به سرکشتی، داستان طوفان نوح را در قالبی خاص بیان کرد و گفت: «پس از فرو نشستن طوفان و آب، کشتی نوح بر بالای این کوه به گیل نشست و از حرکت باز ایستاد». و افزود: «در مرتفع ترین نقطه‌ی کوه گودالی بزرگ است که می گویند این همان نقطه‌ی به گیل نشستن کشتی است.»^(۲)

«گنبد بابای بزرگ - در باختر دلفان در درّه‌ای بین کوه مهرباب در دامنه‌ی سرکشتی، گنبدی است که به بابای بزرگ مشهور است. روی گنبد دارای کاشی کاری‌های معرّفی است. تمام گنبد با سنگ و آجر ساخته شده، داخل حرم به طرز بسیار جالبی کاشی کاری شده که در لرستان نظیر آن کم تر به چشم می خورد. سنگ قبری مرمری با حاشیه‌ای به خط کوفی بسیار زیبایی داخل حرم بود. این سنگ متعلق به قرن ششم هجری قمری است.»^(۳) و درباره‌ی گنبد دیگری که در نزدیکی آن می باشد، نوشته: «کال نازار Kâle nâzar در ضلع

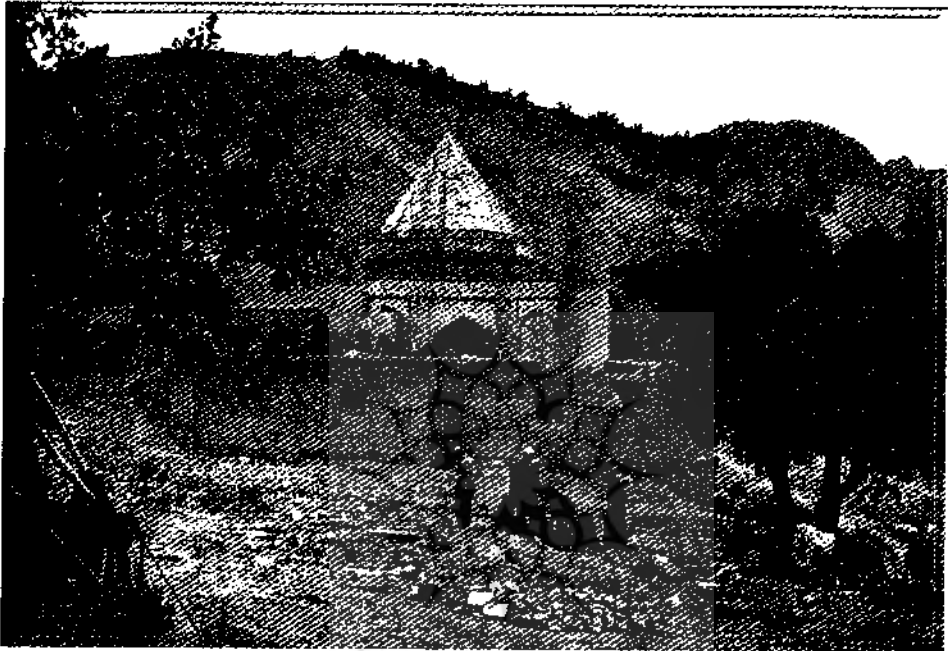
۱- پاپلی یزدی، محمد حسین، فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، ناشر آستان قدس،

۱۳۷۶ شمسی، مشهد، ص ۸۰

۲- یزد پناه، حمید، آثار باستانی و تاریخی لرستان، چاپ انجمن آثار، ۱۳۷۶ شمسی، تهران،

۳- همان، ص ۳۱۶

جنوب غربی گنبد بابای بزرگ، گنبد کوچک تری هست که به نام کال نازار مشهور است. این گنبد با آجر ساخته شده است.»^(۱)



گنبد بابابزرگ. Bababozorg

نگارنده در آخرین مسافرتی که به این کوه داشتم (تابستان ۱۳۷۸ شمسی - سال ۲۰۰۰ میلادی) در همین گودال به مشاهده و بررسی پرداختم و به سنگ‌های قابل مطالعه‌ای برخورد کردم و از ساکنان محلی نکته‌های مهم‌تری را دریافت نمودم. در آن‌جا مشاهده کردم ساختمان‌های جدیدی در اطراف گنبد ساخته شده است. اخیراً جاده‌ای

خاکی تا نزدیکی قله‌ی سرکشتی و تا درب گنبد کشیده شده است. با اتومبیل تا آن جا رفتیم. اما برای دیدار از قله‌ی سرکشتی و گودالی که کشتی نوح در آن جا به گِل نشسته بایستی یک ساعت پیاده از کوه بالا رفت. در این مسافرت به دلیل خشک سالی، بالای سرکشتی برف نبود و اهالی بومی می گفتند این نخستین سالی است که آن جا پوشیده از برف نیست. در سال‌های قبل در تمامی سال این کوه‌ها پوشیده از برف بوده است.

همان نویسنده‌ی ایرانی در مورد نام مهرباب که در کنار سرکشتی قرار دارد، معتقد است از آثار دوران آیین مهری در ایران باستان است و نوشته: «کوه افسانه‌ای مهرباب در شمال باختری لرستان که جزو دلفان و در دامنه‌ی آن محلی است به نام سرکشتی که مردم معتقدند کشتی نوح در آن جا به گِل نشسته است. مهرباب کوه یکی از کوه‌های لرستان است که آن را طلسم می دانند و درباره‌ی آن افسانه‌ها نقل می کنند. گویا در آن غاری است که بالاتر از آن دژ بزرگی وجود دارد که تنها از دو معبر کوهستانی می توان به آن جا رفت و دست یافتن به دژ و غار به آسانی میسر نیست.»^(۱) از نتایج مطالعات نگارنده این است که اِد دیویس سرباز آمریکایی از همین معبرها عبور کرده و از کوه مهرباب به تماشای سرکشتی پرداخته، در حالتی که سراسر کوهستان از برف پوشیده بوده است.

۷- مسافرت به سرکشتی

هنگامی که Ed Davis به عنوان سرباز آمریکایی در ایران خدمت می کرد، از شهر همدان در شمال نهاوند، به فاصله‌ی سه روز سواره و پیاده با یک راهنمای محلی که دارای زبان لکی بوده است (زبانی بین زبان لری و کردی)، خود را به کوه مهرباب در کنار سرکشتی رساند و از آن جا به مشاهده‌ی سرکشتی پرداخت و گزارش سفر خود را در امریکا نقل نمود و کسی باور نکرد. در حالی که اکنون گزارش‌هایی از مسافران قبل و بعد از او را نقل می کنیم تا نشان دهیم آن سرباز آمریکایی راست گفته بوده است.

یکی از این مسافران خانم دیم فریا مادلین استارک جهانگرد انگلیسی است که در سال ۱۸۹۳م در شهر پاریس به دنیا آمد و از کالج بدفورد و مدرسه‌ی مطالعات شرقی لندن فارغ التحصیل شد. در طی سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۳۱م وارد ایران شد. یعنی به فاصله‌ی کوتاهی قبل از Ed Davis سرکشتی را دیده است. عجیب این است که بین گزارش‌های این دو نفر شباهت حیرت‌انگیزی وجود دارد. با این که از وجود هم بی اطلاع بوده‌اند.

سفرنامه‌ی استارک در سال ۱۹۳۶م. با نام «سفری به دیار حشاشین و دیگر نقاط ایران» در شهر لندن چاپ شد. در این سفرنامه استارک می‌نویسد: «پس از تقریباً دو ساعت از گیزه روگذشتیم و به سوی جنوب شرقی و اراضی پست و علفزار و صخره‌ای «پری کوه» پیچیدیم و سپس در امتداد جویباری به نام Kangavary که به Sar-i-kashti می‌رود به راه افتادیم. در این جا نیز گورستان‌هایی پراکنده در حواشی تپه‌ها در آن جا که رودخانه در اراضی خالی از سکنه مسیر خود جریان می‌یابد دیده می‌شود.»^(۱)

در جای دیگر می‌نویسد: «سرکشتی مانند نواحی اطرافش منطقه‌ای است مبهم و ناشناخته و کناره‌ی شمالی رشته کوهی گرد موسوم به بابابزرگ را در برمی‌گیرد. بابابزرگ در ناحیه‌ی جنوبی کنگاوری جای دارد. سر آرنولد تالبوت ویلسن موقع مسافرتش به خرم آباد از این محل بازدید کرده و نوشته است که در سمت غربی سرکشتی جای دارد. در دامنه‌های جنوب سرکشتی امام زاده‌ای مورد احترام وجود دارد.»^(۲) و در جای دیگر آورده: «راه روز قبل را در طول رودخانه بادآور (Badavar در منطقه‌ی دلفان) در کنار دهکده‌ی نوح (Noah) و از میان اراضی کشت شده ادامه دادیم.»^(۳)

مترجم فارسی در پاروقی توضیح داده که روستایی به نام نوح وجود ندارد ولی ناحیه‌ی سرکشتی و ماجرای نوح بر سر زبان‌ها است و معتقدند که در این کوه کشتی نوح به

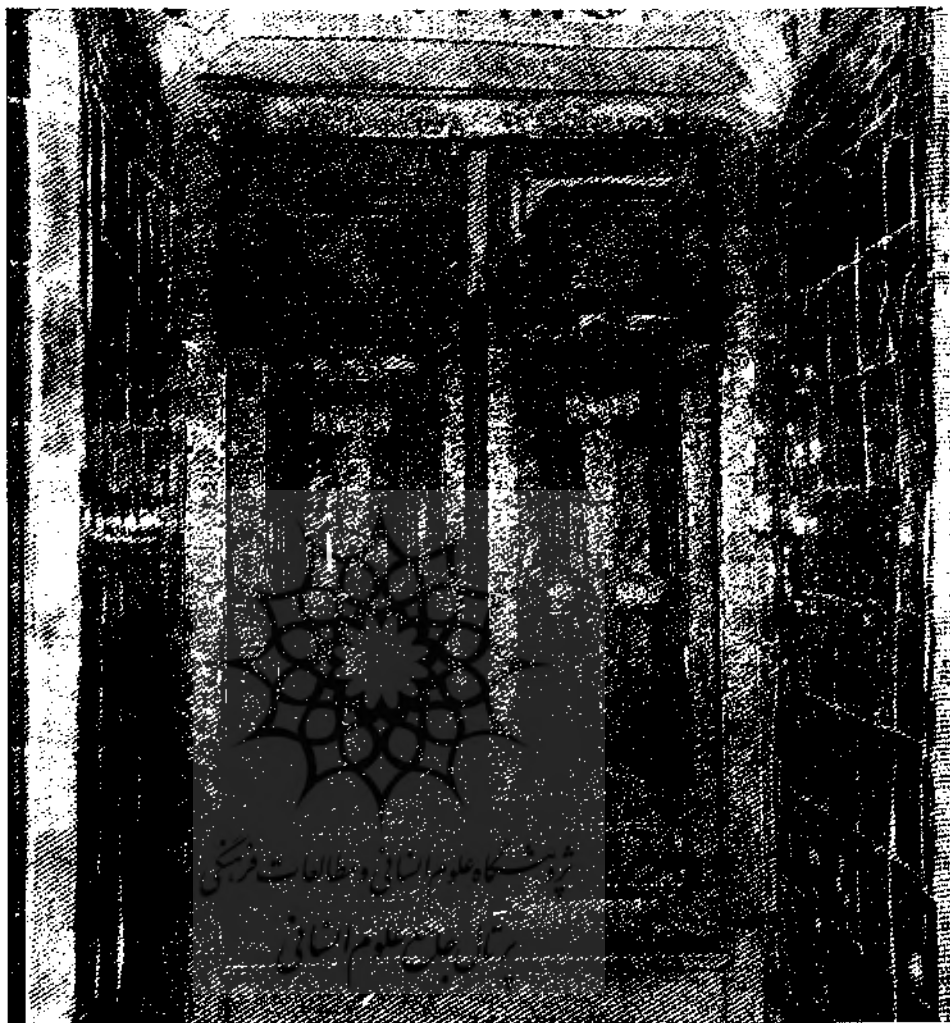
۱- استارک، فریا، سفرنامه، ترجمه‌ی علی محمد ساکی، انتشارات علمی، ۱۳۶۴ شمسی،

تهران، ص ۵۵

۲- منبع قبلی، ص ۵۸

۳- منبع قبلی، ص ۱۳

خاک نشسته است. استارک می نویسد:



در ورودی حرم بابابزرگ . Bababozorg

«سراشویی های سرکشتی نیز که از دور آبی کم رنگ می نمود از فاصله ای بسیار دور در سمت جنوبی نمایان شده بود.»^(۱) جالب است که در گزارش دیگران مانند Ed Davis نیز همین اشاره به رنگ آبی کم رنگ دیده می شود.

هنری راولینسون دانشمند آشورشناس، متولد ۱۸۱۰م در انگلستان، که در سال ۱۸۵۷م کتابی درباره‌ی ایران نوشت و در سال ۱۸۹۵م فوت کرد، در سال‌های ۱۸۳۳ - ۱۸۳۹م مشاور نظامی در ایران بود. در سال ۱۸۳۸م می‌نویسد: «بیست و پنجم مه - امروز یک فاصله‌ی نه فرسنگی را طی نموده و خود را به خاوه رساندم. منطقه‌ی الشتر جلگه‌ای است وسیع و مسطح که در طرف شرق به کوه‌های زیبایی به نام چهل نابلغان که آن را از ناحیه‌ی نهاوند و بروجرد جدا می‌سازد، متصل می‌شود. از طرف غرب نیز به یک سلسله کوه مرتفع به نام سرکشتی [می‌رسد] که لرها معتقدند کشتی نوح پس از طوفان بر آن نشسته است.»^(۱)

در کتاب «لرستان در سفرنامه‌ی سیاحان» نیز همین مطلب آمده است که سرکشتی جایگاه کشتی نوح بوده است.^(۲)

یکی از مسافرانی که به دیدار کوه سرکشتی رفته دکتر بهمن کریمی باستان‌شناس ایرانی است که در گزارش سفر خود می‌نویسد: «روز دوشنبه ۲ خرداد سال ۱۳۱۵ شمسی مطابق با ۲ ربیع الاول، صبح از دُم آویزه با اسدالله خان سرحددار حاکم عشایر دلفان به طرف ناحیه کنگوری (کنگاور) و سرکشتی حرکت نمودیم. از دُم آویزه به طرف هرسین راه مستقیم و شوسه است ولی چون اشیای قیمتی قبور لرستان عموماً از این ناحیه به دست آمده بود و سرحددار هم از قبور آن جا نقل‌ها می‌گفت، تصور رفت که شاید قبوری حفاری نشده در این ناحیه به دست آید. اگر چه راه از آن طرف به هرسین دورتر و از گردنه‌ی نخل عبور مشکل بود ولی برای دیدن آثار باستانی زحمت را تحمل کرده و به طرف کنگاور و سرکشتی عازم شدیم.

۱- سفرنامه‌ی هنری راولینسون، ترجمه‌ی دکتر امان اللهی، نشر انجمن ادب و قلم، ۱۳۵۶

شمسی، خرم آباد، ص ۹۸

۲- آریا، محمد حسین، لرستان در سفرنامه‌ی سیاحان، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۶ شمسی،

تهران، ص ۸۵

از دُم آویزه به طرف سرکشتی چندین راه است (تنگ پری - بله ارژنه - سر آب‌گر) مستقیم‌تر و بهتر از همه «تنگ پری» بود ولی چون در بین راه سر آب‌گر یکی دو تپه بود، آن راه را مرجح دانستیم که این دو تپه را نیز بازدید کنیم. در خود دهات سر آب‌گر تپه‌ی بزرگی بود و کوهش را سرکشتی نام می‌دهند. (ارتفاع این ناحیه ۶۴۰۰ فوت می‌باشد. حالیه بعضی شب‌ها ظرف‌ها یخ می‌بندد. این ناحیه را بدین مناسبت «باد آور» گویند که از ظهر تا ساعت شش مرتباً باد دائمی می‌وزد. خود لُر‌ها می‌گویند زمستان بسیار برف است و عبور غیر ممکن است).

کنگآوری و سرکشتی منطقه‌ی مصفا‌ی قشنگی است. هوا نیز نسبتاً خنک و سرد است. سرکشتی خود کوهی خاکی و مملو از قبور بود. ولی لُر‌ها حتی یک قبر را هم سالم نگذاشته‌اند. تمام قبور را یکی یکی گنده و کوزه‌های قبور را با نداشتن علم و درجه‌ی اهمیت آن دستی شکسته و در کنار قبور ریخته و اگر آشنایی داشته بیرون برده و به معرض فروش رسانیده‌اند.

یک روز برای تفتیش قبور حفاری نشده در کنگآوری و سرکشتی ماندیم و نایب الحکومه‌ی دلفان (حکومت قوم ایتی‌وند) امان الله خان عده‌ای مخصوص را برای تفتیش قبور حفاری نشده به اطراف فرستاد. ولی باز نتیجه به دست نیامده قبوری پیدا نشد. به هر صورت هر چه جست‌وجو کردیم که شاید قبوری را نشکافته به دست آورده حفاری کنیم. نه جهت اثاثیه و اشیای قبر بلکه برای دیدن طرز ساختمان قبور و هم چنین طرز قرار دادن اشیا، به دست نیامد. (۱)

این مسافران نتوانسته‌اند به بالای قله‌ی سرکشتی مسافرت کنند. زیرا در تمامی سال این قله پوشیده از برف بوده است. اما از اطراف و بلندی‌های دیگر مانند دامنه‌ی قله‌ی کوه

۱- کریمی، بهمن، راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران، چاپ تهران، ۱۳۲۹

مهراب، اگر دورین در اختیار داشتند می‌توانند آن قله را از دور مشاهده کنند.

این مقاله نخستین گام در این تحقیق است. امید است با یاری علاقه‌مندان زوایای تاریک این پژوهش روشن گردد و نتایج جدیدتری در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی